



۲۰۱۸/۰۴/۱۴

انجنیر محمد نذیر تنویر

## بزرگترین نمایشگاه «قالین لاله» جهان!

دیروز ۱۲ اپریل ۲۰۱۸ «استانبول» شاهد افتتاح بزرگترین نمایشگاه «فرش لاله» جهان بود.



لاله یکه، کشور «هالند» به آن شهرت یافته و زبان زد عام و خاص گردیده تا جای که، این کشور را به «سرزمین لاله» مشهور گردانیده است.

اما حالا ترکیه سعی می دارد تا در این بُعد نیز «هویت» اش را در اذهان جهان دوباره تثبیت بدارد.

هویتی که، کار و زحمت می طلبد؛ نه تخیل و شعار!

پس چه زیبا خواهد بود که سری به تاریخ و هویت «لاله» در صفحات تاریخ زنیم:

ریشه کلمه لاله (Tulip) در لاتین از (Tulipa) گرفته شده است که به معنی «گل لنگوته نما» (Tulband).

لنگوته و یا دستار که دهاقین مزارع «لاله» در ترکیه بسر داشتند، مسبب نامگذاری این گل جدید برای اروپائیان گردید که قبلاً با این گل آشنایی نداشتند، در حالی که می توانستند آنرا به اسم مشخصه خودش که در زبان ترکی نیز «لاله» بود بشناسند.

پس از فتح «قسطنطنیه» و یا استانبول فعلی در سال ۱۴۵۳م توسط سلطان محمد فاتح (رحمه الله) و شکست امپراتوری «بیزانس» ها، استانبول شبیه یک دهکده ویرانه بود. برای عثمانی ها، هفت سال زحمت و پشتکار جدی را دربر داشت تا باشندگان اصلی آنرا دوباره برگرداند و به این دهکده، تصویری از شهر را دوباره اعاده گرداند.

زمانی که استانبول توسط صلیبیان در سال ۱۲۰۴م اشغال شد. به دلیل غارت و وحشتی که براه انداخته بودند، این شهر به میزان قابل توجهی فقیر گشت و از لحاظ اقتصادی به یک دهکده مبدل گشت. بسیاری از ساکنان اصلی آن، شهر را ترک کردند که اکثریت محله های آن بدون سکنه گردید. درست قبل از فتح، تنها (۵۰،۰۰۰) نفر در این شهر زندگی می کردند، در حالی که تقریباً (۸۰۰،۰۰۰) نفر باشنده آنجا تشکیل می داد.

یک قرن بعد در حدود سال های ۱۵۵۰م دولت عثمانی به یک کشور قدرتمند در جهان مطرح گردید. کاخ سلطان سلیمان پاچا با باغ های زیبا و پُر از زیباترین لاله ها مزین بود. گلی که اروپائیان به آن آشنایی نداشتند و آن را مسمی به دستار دهاقین آن مزرعه نمودند.

زمانی که مهمانان سلطان از دیدن مزارع «لاله» به وجد می آمدند؛ رسم سلطان چنان بود که ایشان را با هدیه چندی از پیاز های لاله مهمان نوازی می کرد.

یکی از مهمانی که این هدیه شامل حالش گردید، اسقف اعظم شهر فلاندرن هالند، آقای (Busbecq) بود که عنوانی کشورش به ترکیه فرستاده شده بود. آقای (Busbecq) بعداً با این هدیه (پیاز های لاله) را به دوستش آقای (Carolus Clusius) بخشید که وی در کشور اطریش «باغ مسالجات» داشت که کشت لاله را نیز در مزرعه اش شکل داد.

بعدها آقای (Carolus Clusius) کشور اطریش را ترک گفته و در هالند اقامه گزیند. وی به حیث پروفیسور در «پوهنتون لایدن» شروع به کار نمود، و در ضمن مسئول «باغ مسالجات» پوهنتون نیز گردید.

یکی از شب ها زمانی که پیاز های لاله آقای (Carolus Clusius) از باغچه به دزدی می رود، تازه وی متوجه ارزش و اهمیت این گل می گردد!

بلی! با لاله های سرقت شده ترکیه، تجارت گل لاله در هالند آغاز یافت!

در آغاز این تجارت، تنها سرمایه داران به آن دسترسی می یافتند که ارزش یک پیاز لاله به چهار هزار گلدر (€۱۸۲۰) می رسید، که بعضی از لاله های نادر حتی ارزش آن به سیزده هزار گلدر (€۵۹۱۰) نیز ارتقا می یافت.

از آنجای که پیداست، «اروپایی ها در جایی خواب نمی کنند که پهلوی شان درد کند!» به همین دلیل، رونق کشت لاله برای هالندی ها نیز صرف انگیزه پولی داشت و بس!

این حقیقتی ست که در اکثر موارد در شرایط کنونی به اتفاق می ورزد. انگیزه غربیان برای کشور های غریب، در اکثر موارد صرف انگیزه پولی بوده، و کسانی که حضور غربیان را در «پیشرفت و ترقی» حتمی می دانند، از دو حالت بیرون نیستند:

یا جیب های شخصی خود و احزاب شان را با مزدوری پُر می نمایند؛

و یا از جمله فریب خوردگان جاهل و بیخبر از عقیده و تاریخ خویش می باشند!

اینجاست که ترکیه در پهلوی انقلاب اقتصادی، سعی بر اعاده هویت عقیده، فرهنگ و تاریخ اش در ابعاد گوناگون می گردد.



بلی! با بیش از نیم میلیون گل لاله (۵۶۵۰۰۰) بزرگترین نمایشگاه «هنر موزاییک» را، در فرهنگ «قالین بافی» این کشور به تمثیل میکشاند. جذب افکار جهان، و سیری از سیاحان بسوی استانبول را تنها خلاصه باین هنر نمینماید. رجال چیز فهم و با درایت ترکیه، حکیمانه به معرفی و پیروزی اسلام بر طاغوتیان «بیزانس» آن دوره میپردازند!

بلی! پنجصد و شصت و پنجمین (۵۶۵) سالروزی فتح «قسطنطنیه» را در قلب قسطنطنیه امروزی، یعنی در استانبول جشن می گیرند؛ بدون شعار های پوچ و میان تهی «مرگ بر این و مرگ بر آن»!

این قالین، لاله های از خون شهیدان فتح قسطنطنیه است که در جوار آرامگاه «ایوب انصاری» فرش گردیده است؛ صحابی کرام ایوب انصاری رضی الله عنه که میزبان اشرف مخلوقات محمد (ص) در مدینه منوره بود؛ از آنچه که از ایشان شنیده بود آرزو می کرد تا در جمع اولین نیروهای مهاجمی بر روم باشد. زیرا پیامبر (ص) فرموده بودند که نخستین نیروهای مهاجم بر قسطنطنیه، اهل مغفرت از جانب پروردگار عالمیان می باشند!

بلی! صحابی کرام ایوب انصاری رضی الله عنه در حالی که دوره های پیری اش را می گذشتند، زمانی که آگاهی یافت که معاویه رضی الله عنه لشکری را به قیادت پسرش یزید بسوی «قسطنطنیه» می فرستد، فوراً خود را به «شام» رسانید و در جمع «مجاهدین» پیوست.

«مجاهدین» بر قلب امپراتوری روم یورش می برند و صحابی کرام ایوب انصاری رضی الله عنه بر آرزویش فایق می یابد که آرامگاهش، بعد از فتح استانبول توسط خلفای عثمانی بازسازی گشته و ساحه بزرگی از این شهر را به اسمش نامگذاری می نمایند.

پس اینجا «قسطنطنیه» است؛ این قالین، لاله های از خون شهیدان فتح «قسطنطنیه» است؛ لاله های که در جوار آرامگاه «ایوب انصاری رضی الله عنه» فرش گردیده و پنجصد و شصت و پنجمین (۵۶۵) سالروزی فتح «قسطنطنیه» را تجلیل می دارند؛ جشنی که در قلب قسطنطنیه امروزی (استانبول) چشم جهانیان را به خود خیره گردانیده، و به صدها هزار سیاح را بدان سو کشانیده تا از این «قالین لاله» دیدن نمایند؛ قالینی که به مساحت (۱۷۳۴) متر مربع، در بین دو نماد از «عظمت اسلام» فرش شده است!

نماد های مسجد «سلطان احمد» رحمه الله و مسجد «ایاصوفیه»!  
پس پنجصد و شصت و پنجمین (۵۶۵) سالروزی فتح «قسطنطنیه» برای همه «امت اسلامی» مبارک باد!